

پادوئی به نام نوری زاده در جلد "گوبلز!"

(نگاهی به دروغپردازیهای اخیر نوری زاده مرتجع بر علیه چریکهای فدائی خلق)

هم زمان با حمله اخیر وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی به چریکهای فدایی خلق ایران و رفیق اشرف دهقانی، یکی از به اصطلاح ژورنالیستهای معلوم الحال به نام علیرضا نوری زاده که روابطش با نیروهای ارتجاعی از جمله دارو دسته های سرکوبگر جمهوری اسلامی بارها برملا گشته است نیز طی یک قلمفرسایی عوامفریبانه موحی از اتهامات ردیلانه را نثار سازمان ما و بویژه رفیق اشرف دهقانی نموده است.

با چاپ مطلبی در روزنامه کیهان لندن مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۸۷، فرد مذکور به شکل بسیار مبتذل ولی آگاهانه ای مدعی شده است که "در سال ۱۳۵۷ در آستانه انقلاب، از راست ارتجاعی تا چپ انقلابی، از جبهه ملی میراث دار مصدق، تا آقای مهندس شهرستانی شهردار تهران، از وکلای مجلس رستاخیز تا تئوریسین حزب توده، استاد احسان طبری، از چریک سرفراز مبارز اشرف دهقانی تا زندانی نام، برادر مسعود رحوی، یکصد ستایشگر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، نویسنده تحریر الوسیله و کتاب مستطاب انقلاب اسلامی و نامه های کاشف الغطاء و ... شده بودند و هر کدام از ظن خود بر این باور بودند که؛ امام حکومت عدل علی را بر پا می کند، امام به قم می رود و حکومت را به ما (ملی- مذهبی ها ملی ها و البته موافقه ای ها) تحویل می دهد، امام یک وسیله است، با او پهلوی را به زیر می کشیم و بعد ما (چپها پدر کیانوری را در مقام رئیس جمهوری و اشرف خانم را در مقام نخست وزیر می نشانیم) و ما (مجاهدین و توابع نیز برادر مسعود را به ریاست جمهوری می رسانیم و دولتی نیز به ریاست برادر موسی تشکیل می دهیم و برای این که متهم نشویم که دمکرات نیستیم و اهل ائتلاف نمی باشیم، وزارت فوائد عامه را می دهیم به پدر طالقانی و وزارت نساجی را نیز می دهیم به پسر هوله برق لامع). (تأکیدات از ماست) ادامه در صفحه ۲

"ما گرسنه ایم!"

در ماه های اخیر شاهد موج بزرگی از حرکات اعتراضی کارگران و توده های ستمدیده بر علیه افزایش بی رویه قیمت مواد غذایی و گرانی سرسام آور بهای کالاهای مورد نیاز مردم در جهان بوده ایم. بنا به آمار منتشره حداقل یک سوم از جمعیت دنیا با درآمدی نزدیک به ۲ دلار در زیر خط فقر و گرسنگی به سر می برند. در همین رابطه توده های گرسنه و بجان آمده در چهار گوشه دنیا با فریاد "ما گرسنه ایم" و با خواست دخالت دولتها برای تعدیل فشارهای طاقت فرسای اقتصادی، به خیابانها ریخته اند و اعتراض خود به نظام استثمارگرانه سرمایه داری را به نمایش گذارده اند. اما سرمایه داران زالو صفت و دولتهای امپریالیستی که با سیاستهای ضد خلقی و سودجویانه خود مسئول اصلی کمبود و گرانی مواد غذایی در سطح بین المللی می باشند، علیرغم تبلیغات فریبکارانه شان در رابطه با ضرورت ممانعت از گسترش ابعاد گرسنگی و حل مساله نان به مثابه غذای صد ها میلیون تن از توده های فقیر و گرسنه، پلیس ضد خلقی و ارتش های تا بن دندان مسلح خود را به خیابانها گسیل داشته و به سرکوب اعتراضات عادلانه مردم پرداخته اند. ادامه در صفحه ۴

وضعیت کارگران "غیر قانونی" در فرانسه و آتش سوزی در زندان!

در ۲۲ ماه ژوئن ۲۰۰۸ یکی از بزرگترین زندانهای اداره مهاجرت فرانسه دچار آتش سوزی شد و ۱۸ نفر از مهاجرین محبوس در این زندان به دلیل سوختگی شدید در بیمارستان بستری شدند. گزارش زیر بیانگر شرایطی است که در این زندان حاکم می باشد. مدتی پیش از حادثه فجیع آتش سوزی در این زندان، پناهنده ۴۱ ساله ای به نام "تونیسین ساولی" در اثر کیفیت بد غذا و بهداشت و شرایط زیستی نامناسب دچار حمله قلبی شد و به دلیل عدم وجود دارو و دکترا در زندان فوت کرد. اعتراضات پناهندگان زندانی که از مرگ "تونیسین" و بی تفاوتی مسئولین زندان خشمگین شده بودند با عکس العمل خشونت آمیز و وحشیانه پلیس روبرو شده و به شورش زندانیان منتهی گشت. ادامه در صفحه ۳



وحشتناکی که در رابطه با زندانهای شاه توسط ساواک در آن توضیح داده شده، "دروغ" بوده اند! این هم کوشش ناموفق دیگری از طرف پادوی مذکور برای رفتن در جلد گویلز فاشیست بود تا بتواند جنایات رژیم ضد خلقی شاه و ساواک آن را در انتظار توده های ناآگاه و بویژه جوانان مبارز تطهیر ساخته و کتاب "حماسه مقاومت" رفیق اشرف که نسلی از جوانان و نو جوانان آن دوره را به عرصه مبارزه با دشمنان خلق کشانید و همچنین حماسه های مقاومت مشابه متعلق به بسیاری از بهترین فرزندان فدایی و مبارز خلق آن نسل را، در اذهان توده های محروم بی اعتبار و دروغ و غیر واقعی جلوه دهد- که البته جز رسوائی هر چه بیشتر، دست آوردی دیگری برای این پادو نداشت.

در خاتمه باید یادآور شده که امروز توده های ستمکش و آگاه ما در سطح وسیعی در ایران جایگاه والایی را در قلب خود برای فرزندان انقلابی و مبارزانشان نظیر رزمندگان چریکهای فدایی خلق قایل هستند. آنها با توجه به خشم و نفرت شدیدشان از رژیم جمهوری اسلامی این سخن را که در مورد ماهیت آخوندهای حاکم و رژیم آنها " اشرف دهقانی راست می گفت"، مدام تکرار می کنند و این موضوع امروز به عنوان یک عقیده رایج در میان مردم ما مطرح می باشد. درست در برخورد به چنین واقعیتی است که دشمنان رنگارنگ توده های ستمدیده ایران به تکاپو افتاده و به اشکال گوناگون به حرفه همیشگی خویش یعنی دروغگوئی و عوامفریبی روی آورده اند. آیا این همان ضرورت ضد خلقی نیست که مرتجعین قلم به مزدی چون نوری زاده ها را وادار به چنین دروغپردازیهای آشکاری می کند؟

اما از محتوای رسوا و کثیف دروغپردازیهای نوری زاده در مورد اشرف دهقانی و چریکهای فدائی خلق که بگذریم سوال اصلی اینجاست که چرا امثال نوری زاده ها ماموریت می یابند که چنین دروغهای بزرگی را سرهم بندی نمایند و یکباره بدون هیچ دلیلی رفیق اشرف و یاران او را مورد حمله و دروغپردازی قرار دهند؟

واقعیت این است که سیاست تشدید حملات تبلیغاتی و دروغپردازی رژیم جمهوری اسلامی و ریزه خوارانش بر علیه انقلابیون و مبارزین در شرایطی به صحنه می آید که در سالهای اخیر حکومت با موجی از برآمدهای توده ای رادیکال در جامعه تحت سلطه ما روبرو گشته است؛ و روزی نیست که آتش مبارزات کارگری و اعتصابات و شورشهای جوانان و زنان و دانشجویان و ملت‌های تحت ستم از گوشه ای از جامعه سر بر نکند. ظهور و رشد گرایش‌ها و رادیکال در دل این جنبشها یک واقعیت عینی ست و در شرایطی که ما با نسلی از جوانان مبارزی روبرو هستیم که در پی راهجویی و درسگیری از تجارب نسل های پیشین و بویژه انقلابیون دهه ۵۰ هستند، جمهوری اسلامی علاوه بر سرکوب شدید و قهر آمیز این نسل می کوشد تا با دروغپردازی و سیاه کردن چهره ستمبلاهای مبارزاتی این نسل ارزشها و آرمانهای مبارزاتی آن ها را تضعیف ساخته و در واقع امکان درس گیری از تجربیات آنها را از بین ببرد. با این سیاست رژیم می کوشد تا در حقیقت جوانان و روشنفکران مبارز و معترض ایران را از دنبال کردن راه انقلابی نسل های پیشین بازدارد؛ مبارزه با حکومت سرکوبگر خود را "بی فایده" و "بی سرانجام" جلوه دهد و از همه مهمتر بکوشد تا از تشکیل جریان مبارزی که به راه و آرمانهای چریکهای فدائی خلق به عنوان پیکرترین و صادقترین نیروهای انقلابی، گرایش نشان می دهند، جلوگیری کند. این بخشی از وظیفه ای ست که دشمنان خلق ما بر عهده پادوهای سیاسی ای نظیر نوری زاده و اعوان و انصارش نهاده اند. البته نگاهی به چگونگی کار وی نشان می دهد که این وظیفه و جامه فاخر آن برغم تمامی کثافتش هنوز بر تن نوری زاده سنگینی می کند. چرا که گرچه شارلاتانیسم و عوامفریبی جزء ذاتی کار مطبوعاتی بورژوازی بطور کلی و قلم به مزدانی نظیر نوری زاده ها به طور مشخص است. ولی بی استعدادی نویسنده مورد بحث ما نشان داده که برای سیاه کردن چریکهای فدایی خلق و اصولا تمامی فرزندان مبارز خلق به استعداد بسیار بالاتری در امر فریبکاری و عوامفریبی نیاز است که ایشان فاقد آن بوده و فعلا باید همچنان برای کسب آن در بارگاه اربابان خویش "درس حوزه" بخوانند!

برای هر کسی با اندک آگاهی سیاسی مسلم است که داستان سرهم بندی شده کذائی فوق که بطور آشکار در تضاد با واقعیت قرار دارد تنها برای اشاعه دروغ و عوام فریبی ابراز شده است. نوری زاده در انجام ماموریت خویش کوشیده است تا به تقلید از گویلز یکی از مشهورترین دستیاران رژیم فاشیست هیتلر، با توسل به تاکتیک "دروغ هر چه بزرگتر باشد باورش هم راحت تر است" چنان دروغهایی بگوید که شاید درست به خاطر بی پایه بودنشان قابل باور به نظر برسند! چنین برخوردی که توده های مردم را "احمق و نادان" تصور می کند، دیگر به این امر توجهی ندارد که نسل مورد خطاب دوره بحث فوق، هم چنان حی و حاضر در صحنه حضور دارند. این نسل علیرغم همه عوامفریبی های نوری زاده و امثال او که این دروغها را در خط وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی جهت بد نام کردن انقلابیون می سازد و مثل آب خوردن تحویل می دهند، بخوبی می داند که مارک زدن به "چپ انقلابی" و بویژه رفیق اشرف دهقانی در مورد "ستایشگری" آنها از خمینی جلاد و یا "طن" و سودای رسیدن به پست نخست وزیری و قدرت و کمتر از آن طرفداری و یا توهم داشتن به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و رهبر آن، در مورد هر نیرو و فردی هم صدق کند در مورد رفیق اشرف دهقانی و یاران او (چریکهای فدایی خلق) که از همان اولین روزهای دوره انقلاب و به قدرت رسیدن این رژیم با شجاعت تمام به مردم در بند ایران و روشنفکران و آزادیخواهان گفتند که جمهوری اسلامی ماهیتا هیچ فرقی با رژیم دیکتاتور شاه ندارد و مردم باید با حفظ سلاح هایشان مبارزات خود را تا رسیدن به آزادی و دموکراسی ادامه دهند، جز یک دروغ آشکار نیست. در این مورد نوری زاده مرتجع ولی ناشی در واقع به "کاهدان" زده است.

درج اکاذیب فوق در کیهان لندن در عین حال در شرایطی صورت می گیرد که هر فرد اندک با شعور و مطلعی به خوبی می داند که اتفاقاً درست به دلیل برخوردهای قاطع چریکهای فدائی خلق بر علیه جمهوری اسلامی و طرفداری صمیمانه و صادقانه آنها از کارگران و زحمتکشان بود که رهبران معدوم و همینطور در قید حیات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی رفیق اشرف دهقانی و یاران او (و تفکر انقلابی آنها) را از همان روزهای اول دشمن سازش ناپذیر خود می دانستند (و می دانند). چرا که این چریکهای فدائی خلق ایران بودند که از همان نخستین روزهای روی کار آمدن جمهوری اسلامی این رژیم را رژیم وابسته به امپریالیسم و دشمن توده های انقلاب کننده معرفی کردند. این چریکهای فدائی بودند که با تحلیل علمی از ماهیت قدرت دولتی در "مصاحبه با رفیق اشرف دهقانی" که اولین بار در ۸ خرداد ۱۳۵۸ به چاپ رسید مطرح کردند که "چون در ایران بورژوازی وابسته همچنان در تولید نقش مسلط را دارد و دولت فعلی هر چه می کند در جهت تثبیت این موقعیت است خود بخود دولت نیز ابزاری در دست بورژوازی وابسته است" و از این تحلیل نتیجه گرفتند که "باید خلق را برای جنگ آماده کرد". اتفاقاً درست به دلیل برخوردهای صمیمانه و صادقانه چریکهای فدائی خلق نسبت به کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های ستمدیده ایران و به طور کلی اتخاذ مواضع انقلابی در جنبش از طرف آنها بود که چریکهای فدائی خلق به همان نسبت که در قلب توده های ستمکش جا گرفتند از سوی انواع و اقسام دشمنان از خود رژیم جمهوری اسلامی گرفته تا مرتجعین دیگر و همچنین دوستان نادان خلق (که متأسفانه در آن شرایط حساس تاریخی برای "امام ضد امپریالیست" و "خرده بورژوا و ملی" هورا می کشیدند) مورد لعن و نفرین قرار گرفتند و "بایکوت" و "ایزوله" کردن آنان به هر شیوه ای در دستور کار این جبهه قرار گرفت.

در ادبیات تاکنون منتشر شده چریکهای فدایی خلق هزاران سند ریز و درشت وجود دارد که بیانگر واقعیت مواضع چریکهای فدائی خلق و شخص مورد خطاب نوری زاده فریبکار یعنی رفیق اشرف دهقانی نسبت به شخص خمینی و رژیم ضد خلقی اش می باشد. با رجوع به این ادبیات، در برگ برگ آنها هر شخص بی غرضی می تواند به عمق رذالت پادوی حقیر، نوری زاده پی ببرد که می کوشد به جلد استادان مرتجعی چون گویلز جنایتکار برود.

البته نشر اکاذیبی از این دست بر علیه سازمان ما توسط علیرضا نوری زاده ها تازگی ندارد و همواره یکی از "خطوط" کار روزنامه نگاری ایشان در "تبعید" را تشکیل داده است. ایشان که همواره داشتن سطح بسیار وسیع "ارتباطات" و "منابع" خصوصی "چه در داخل" و خارج حکومت "امام خمینی" و چه در سرویس های جاسوسی داخل و خارج و در میان دولتهای مرتجع عربی در منطقه را مایه افتخار خود می داند، مدتی قبل نیز به دروغ مدعی شده بود که رفیق اشرف دهقانی را شخصا در یک جلسه مهمانی دیده و گویا آن رفیق به نوری زاده گفته است که تمام محتویات کتاب "حماسه مقاومت" و شرح شکنجه های



در این زندان ۲۷۳ نفر پناهنده به سر می برند که پس از ماه ها اسارت در بدترین شرایط توسط مقامات مهاجرتی فرانسه، به کشورهای محل تولدشان بازگردانده می شوند و جای این دیپورت شده ها را پناهندگان دیگری می گیرند که توسط پلیس مرزی و اداره مهاجرت از داخل خانه ها و مدارس و کافه های محلات فقیرنشین ربوده میشوند. در سال گذشته بیش از ۳۵ هزار نفر پناهنده از این زندان مخوف عبور کردند که ۲۴۲ نفر آنها کودک بودند.

معمولاً پناهندگان غیرقانونی که در محلات فقیر نشین پاریس توسط پلیس شکار می شوند به زندانی به نام "وینسن" منتقل می شوند که محل آموزش دانشجویان پلیس برای ایفای نقش ابزار سرکوب و شکنجه طبقه کارگر در جامعه سرمایه داری می باشند. پناهندگان زندانی شده به عنوان کیسه بکس و موشهای آزمایشگاهی برای تمرین خشونت و شقاوت در اختیار دانشجویان پلیس قرار می گیرند. پناهجویان پس از تحمل همه مصائب باور نکردنی زندان دانشکده پلیس، بعداً به زندانهای بزرگتر منتقل می شوند. در این زندانها آنها در انتظار انجام کارهای اداری مربوط به دیپورت خود در شرایط بسیار بد و غیر انسانی در اسارت به سر می برند. در ماه های اخیر تعداد پناهنده های دیپورت شده نسبت به سال گذشته ۸۰ درصد افزایش یافته و قرار است که در سال ۲۰۰۸ حداقل ۲۶۰۰۰ نفر دیپورت شوند.

اقتصادی سرمایه داری، قوانین مهاجرت کشورهای پیشرفته هرچه بیشتر غیردمکراتیک و ضدپناهنده شده و دست پلیس برای اعمال خشونت‌های غیرانسانی علیه پناهندگانی که به مهاجرت غیرقانونی (در اثر فقر و عدم امکانات مادی و تحصیلی برای کسب اجازه مهاجرت قانونی) دست زده اند، بیش از گذشته باز گذاشته شده است.

در حال حاضر در فرانسه بیش از چهارصد هزار نفر کارگر موقت (که مهاجرین "غیرقانونی" محسوب می شوند) به سر می برند که سالها در این کشور کار کرده و مالیات پرداخت کرده اند اما هنوز اجازه اقامت دائم در فرانسه را نگرفته اند و در ترس دائم از دستگیری و زندان و دیپورت به سر می برند. ۸۰۰ نفر از این کارگران غیرقانونی از ابتدای ماه مه تاکنون در اعتصاب به سر برده و خواهان دریافت اجازه کار و اقامت دائم می باشند.

دولت سرکوزی در تلاش برای سرپوش گذاردن بر رسوایی آتش سوزی اخیر، بعضی از گروه های دمکراتیکی که در این کشور از حقوق پناهندگان دفاع می کنند را مقصر اصلی وقوع شورش و آتش سوزی در زندان دانست. سخنگوی دولت در مصاحبه ای، اجتماع اعتراضی ۳۰ نفر از اعضای گروه RESF در خارج از زندان و در زمان وقوع شورش را از عوامل این رویداد جلوه داده و گفت که "گروه های سازمان یافته ای مثل RESF که از خارج زندان به تحریک زندانیان دست می زنند و آنان را تشویق به شورش می کنند در بروز آتش سوزی و به خطر افتادن جان زندانیان نقش دارند و ... باید محدودیتهایی برای فعالیت چنین گروه هایی ایجاد کرد و اجازه نداد که در هر جایی که دلشان می خواهد فعالیت کنند..." (۱)

دولت عوامفریب فرانسه تلاش دارد که با استفاده از حادثه آتش سوزی در زندان از یکطرف حق اعتصاب و اعتراض را از شهروندان فرانسه گرفته و حقوق دمکراتیک آنان را محدود کند و عملاً حمایت از قربانیان سیاستهای غیرانسانی دولت را غیرقانونی کند و از طرف دیگر بر رفتار غیرانسانی و جنایتکارانه پلیس و دولت فرانسه علیه پناهندگان که همگام با سیاستهای استثمارگری اتحادیه اروپا انجام می شود، سرپوش بگذارد.

زیرنویس:

(۱): گروه RESF گروهی است که از حقوق دمکراتیک مهاجرین و بخصوص از حق تحصیل کودکان و جوانان مهاجر و پناهندگان غیرقانونی دفاع می کند.



این زندان به خاطر تعداد زیاد زندانی و بزرگی ساختمانهای آن به عنوان سمبل "اسارتگاههای گروهی" مشهور شده و گفته می شود که شرایط غیرانسانی آن را نمی توان حتی در باغ وحش ها مشاهده کرد. کسانی که شرایط این زندان را تجربه کرده اند می گویند که رفتار سرمایه داران حاکم بر جهان با حیوانات خانگی اشان بهتر از انسانهایی است که در این بازداشتگاه ها حبس شده اند.

استفاده از مواد غذایی فاسد و گندیده و گوشت کرم زده در غذای زندانیان امری عادی در این زندان می باشد. در سلولها بیش از ظرفیتشان زندانی قرار داده اند بطوریکه زندانیان حتی نمی توانند پایشان را دراز کنند، جایی هم برای هواخوری و ورزش برای آنها وجود ندارد. همه زندانیان بدون استثناء از بیماری های مزمن پوستی رنج می برند. در چنین شرایطی، کوچکترین حرکت اعتراضی زندانیان با کتک و شکنجه پاسخ داده می شود. تنها امکاناتی که در این زندان بیش از هر زندان دیگری به کار رفته، سیم خاردار و دوربین است. به دلیل چنین شرایطی است که تعداد بیماری های عصبی و آمار جنون و خودکشی و خودزنی و درگیری و دعوا در این زندان بسیار زیاد است. هر ساله چندین اعتصاب غذا در اعتراض به شرایط غیرانسانی زندان صورت گرفته که در همه موارد به یورش وحشیانه پلیس و مجروح شدن تعداد زیادی از زندانیان ختم شده است.

شرایط اسارتبار و غیر انسانی جاری در بازداشتگاه های نهاد های مهاجرت کشورهای باصطلاح پیشرفته اروپایی و امریکایی که خود را سمبل "حقوق بشر" و "تمدن" می دانند، تنها انعکاس کوچکی از سیاستهای پناهنده ستیز و ضد خلقی امپریالیستها را به نمایش می گذارد. در حقیقت سیاستهای اسارت بار اقتصادی و سرکوب وحشیانه امپریالیستی ای که این دولتها در کشورهای تحت سلطه و عقب نگاه داشته شده به پیش برده اند، موجب افزایش روزافزون تعداد مهاجرین و پناهندگان شده است.

زندانیان ادارات مهاجرت کشورهای اروپایی و امریکایی پر از انسانهایی است که تنها گناهشان این بوده که با بخاطر هراس از جان خود از دست حکومتهای دیکتاتوری و وابسته گریخته اند و یا در جستجوی زندگی بهتر و جهت سیرکردن شکم خود و خانواده اشان، به طور غیرقانونی از مرزهای سیاسی طبقه حاکم عبور کرده اند. با گسترش هر چه بیشتر بحرانهای



مبارزات گسترده توده ای اخیر در کشورهای مختلف یکبار دیگر ضمن افشای ماهیت استثمارگرانه و ضد خلقی نظام سرمایه داری در جهان، کوس رسوایی طبقه زالو صفت حاکم یعنی سرمایه داران جهانی و اعوان و انصارشان و ادعاهای پوچشان در مورد "برابری" و "فرصتهای برابر" و "دمکراسی" و... را به صدا در آورده و نفرت بی حد توده ها از این نظام و گردانندگانش را به نمایش گذارد. اخبار زیر شمه ای از این اعتراضات توده ای را نشان می دهد:

پرو: در ماه مه هزاران نفر از زنان کارگر و دیگر اقشار محروم به خیابانها ریختند و با به هم کوبیدن ظروف آشپزخانه در مقابل کاخ کنگره این کشور، اعتراضات خود علیه گرانی و کاهش حقوق کارگران را اعلام کرده و خواهان افزایش سوبسیدهای دولتی بر مواد غذایی شدند.

کره شمالی: در کره شمالی ۳ نفر به جرم خروج غیرقانونی از مرزهای این کشور و خرید مواد غذایی از چین، اعدام شدند. تظاهرات متعددی علیه این اعدامها و همچنین علیه ۶۰ درصد کاهش سهمیه مواد غذایی در ماه مارس انجام شد.

چین: کارگران چین نیز به تظاهرات و اعتصابات علیه افزایش قیمت مواد غذایی در فروشگاه های کارخانه ها دست زدند. با اینکه قیمت برنج در این کشور به دلیل سوبسید دولتی تقریباً ثابت مانده، اما قیمت روغن و گوشت خوک حدود ۵۶ درصد و قیمت سبزیجات حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است.

یمن: تظاهرات مردم یمن (در ماه آوریل) نیز به درگیری های خیابانی و حمله تانکهای دولتی به مردم منجر شد. قیمت گندم در این کشور دوبار شده و قیمت دیگر مواد غذایی بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته است.

عربستان سعودی: کارگران صنعت نفت و ساختمان سازی در عربستان سعودی (این کارگران عمدتاً کارگران مهاجر هستند) در ماه مارس ۲۰۰۸ به تظاهرات و اعتصابات بی سابقه ای علیه افزایش قیمت مواد غذایی و کرایه مسکن دست زده و خواهان افزایش حقوق خود شدند. در واکنش دولت بیش از ۶۰۰ نفر از این کارگران را دستگیر کرده و به کشورهای خود دیپورت نمود. **لبنان:** در لبنان اعتراض به گرانی مواد غذایی به درگیری های خونین خیابانی میان کارگران و زحمتکشانشان تظاهرکننده از یکطرف و دولت و نیروهای دست راستی از طرف دیگر منجر شد که خود اعتصابات جدیدی را در کشور شکل داد.

مصر: در مصر کارگران کارخانه ها در ۶ آوریل به تظاهرات گسترده ای علیه گرانی دست زدند که با حمله وحشیانه پلیس و دستگیری تعداد زیادی از کارگران و بازگشت اجباری دیگران به کار منجر شد. اما اغلب مدارس و دانشگاه ها تعطیل شدند. قیمت نان آزاد در این کشور ۱۲ برابر شده و مردم این کشور مجبورند ساعتها در صف خرید نان دولتی بایستند. قیمت برنج و روغن نیز دو برابر شده است.

هندوستان: در هند کارگران شهرهای مختلف دست به تظاهرات زدند. به عنوان مثال در ۱۲ آوریل ۱۰ هزار نفر از کارگران کارخانه های پارچه بافی شهر "فتولاه" به شورش و تظاهرات خیابانی دست زدند. در ۲۱ آوریل نیز تظاهرات بزرگی در کلکته انجام شد.

اروپا: در کشورهای مختلف اروپا نیز تظاهرات و اعتصابات علیه افزایش قیمت انواع مواد غذایی منجمله اسپاگتی و نان و لبنیات که از مواد اصلی تغذیه در اروپا هستند، صورت گرفت. بطور مثال میتوان تظاهرات کارگران بیمارستانها در کشورهای اسکانديناوی، تظاهرات کارگران فروشگاه های فرانسه، و تظاهرات ۱۴ هزار نفری کارگران شهر "چلیابینسک" روسیه در اول ماه مه را نام برد. ماهیگیران و مرغداران ها و تولید کنندگان کوچک لبنیات در سراسر اروپا نیز در حال حاضر مرتباً در اعتراض به افزایش قیمت سوخت و بذر و کود و دیگر مواد مصرفی کشاورزی و در عین حال راکد ماندن قیمت خرید محصولات کشاورزی توسط شرکتهای بزرگ غذایی به اعتراضات گسترده و تظاهرات و اعتصابات می پردازند.

<http://www.fadaee.org>

از صفحه چریکهای فدائی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.siahkal.com>

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه رفیق اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

0044-7946494034

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران:

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید: BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfg@hotmail.com

نشانی پست الکترونیک:

زنده باد کمونیزم! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی پیروز باد انقلاب!

